

هنر - صنعت زری بافی

شهرزاد ساسان پور

مقدمه

سرزمین ایران از دیرباز مهد فرهنگ و هنر و ابداعات بوده است، و بر این اساس صنایع دستی بی نظیرش طی اعصار و قرون گوی سبقت را از دیگران ربوده است. شهر اصفهان که از دوران صفویه هنر و صنعتش به اوج تکامل رسید از کانونهای فرهنگی و هنری مهم ایران است. در این مقاله، سعی بر آن است تا هنر زری بافی را، که امروزه در حال افول است و تنها رگه‌های ضعیفی از تولید آن در شهرهایی مانند اصفهان به جای مانده است، مورد توجه قرار دهیم، در این خصوص، علاوه بر توجه به تاریخچه پیدایش پارچه‌های زربفت در ایران، به وضعیت این هنر - صنعت نه تنها در دوره ایران باستان، در دوره اسلامی تا عصر حاضر و نیز به وضعیت فعلی زری بافی، مراکز تولید زری بافی، زری بافی شهر اصفهان - و وضع موجود آن - استادان زری باف شهر اصفهان، مواد اولیه، رنگها و نقشها و طرحهای پارچه‌های زربفت و نحوه بافت این پارچه‌ها پرداخته شود.



بخش اول: تاریخچه پیدایش پارچه‌های زربفت در ایران

زری از نظر لغوی به معنی منسوب به زر، پارچه زردوزی شده است؛ پارچه زربفت یا پارچه‌ای که تارهای زر داشته باشد. «زری، نفیس‌ترین و افسانه‌ای‌ترین منسوج ایرانی که در روزگار رونق و رواج خود شهرتی عالمگیر داشته و هم‌اکنون نمونه‌هایی از آن زینت‌بخش موزه‌ها و سایر مراکز هنری ایران و دیگر کشورهای جهان است، دارای سابقه‌ای طولانی از لحاظ بافت و تولید می‌باشد. هرچند که در تاریخ نساجی ایران، زمان پیدایش زری ناپیداست ولی به‌طور اجمال از تواریخ و کتب قدیم چنین استنباط می‌شود که نخست در زمان هخامنشیان و سپس در زمان ساسانیان بافتن پرده‌ها و پارچه‌های زری رواج داشته و برای تزئین کاخهای سلاطین و کلیساهای جهان به کار می‌رفته است»^۱.

فصل اول: زری بافی در ایران باستان

از زمانهای باستان نساجی با الیافی که از فلزاتی مثل زر و سیم ساخته می‌شد در مشرق زمین رواج داشت. به کمک الیاف نقره و طلا جامه‌های زینتی برای بزرگان و پادشاهان بافته می‌شد. به‌طور کلی نساجی با زر و سیم را به چهار گروه نساجی با نوارهای طلایی کوبیده شده، نساجی با ریسمانها و الیاف طلایی، نساجی با طلایی که روی چرم نصب شده و بالاخره نساجی با طلایی که روی نوارهای کاغذی قرار داده و در بافتن به کار می‌رود تقسیم کرده‌اند.^۲

زری بافی از منسوجاتی است که در تاریخ قدیم ایران زمین وجود داشته است. «هرودوت و اوستا چیزی شبیه به زری را وصف کرده‌اند، هرودوت از جامه زرین داریوش سوم (۴۴۷-۳۳۱ ق.م) و اوستا از فرشهای طلایی نام برده است. ولی در تاریخ فقط زمانی که مورخان چینی از زریهای پیشکش ایرانیان به دربار چین نام می‌برند به نمونه واقعی آنچه امروزه می‌تواند زری دانسته شود برمی‌خوریم. جهانگرد چینی، هوانگ تسانگ (Huan Tsang) در آن زمان زریهای ایران را ستوده است و هنگامی که هراکلیوس دستگرد را غارت کرد همه جامه‌های شاهانه را زربفت یافت ... و به‌ویژه یک دست جامه از نخ زرین بافته شده بود و گزارش مورخان عرب از

گریختن و کشته شدن واپسین شاه ساسانی، یزدگرد سوم، با جامه‌های فاخر او که از نخهای زر و سیم بافته شده بود اشاره دارد.^۳

در زمان ساسانیان پارچه‌های زربفت چنان شهرتی داشت که هواخواهان بی‌شماری در تمام نقاط عالم پیدا کرد. «بسیاری از پارچه‌های زری ایران از همان قدیم به مغرب زمین برده شد. غالباً این پارچه‌ها را ثروتمندان می‌خریدند و عده‌ای از این ثروتمندان به‌عنوان هدیه این پارچه‌ها را تقدیم کلیسا می‌کردند...»^۴ هنرمندان در این زمان با استفاده از مفتولهای ظریف سیم و زر و نخ ابریشم منسوجات زری بسیار نفیسی می‌بافتند.^۵

«در زمان ساسانیان نقوش زری بیشتر از نقوش عقاب و اژدها و شیر و مرغ و سیم‌رغ و سایر حیوانات تشکیل شده بود. در دوره اسلامی کتیبه‌هایی مرکب از سوره‌های قرآن یا مطالب مربوط به موضوعی که زری برای آن ساخته شده بود به آن نقوش اضافه کردند.»^۶ «در زند اوستا از قالیچه‌هایی که با نخ طلا بافته شده و همچنین از لباسهای زربفت داریوش سوم که دارای جلوه‌ای خاصی بوده یاد شده است.»^۷

از تارهای زری و طلایی در عصر هخامنشی و ساسانی در فن قالیبافی استفاده فراوان شده است. بسیاری از نقوش تخت‌جمشید، شوش، پاسارگاد و ... لباسهای زربفت شاهان و درباریان را که مزین به نقوش هندسی، مرغ، ستاره و شیر هستند به نمایش می‌گذارند. طبق نظر بعضی از نویسندگان مورخ «درفش کاویان» از پارچه رنگارنگ یا آتشی رنگ زربفت بوده است.^۸

فصل دوم: پارچه‌های زربفت در دوران اسلامی (از اوایل اسلام تا دوران معاصر)

۱-۲-۱: زری بافی تا عهد سلاجقه (از اوایل عهد اسلامی تا ابتدای سلجوقی)

بعد از ظهور اسلام بافت زری در ایران تا قرن سوم ق به‌طور مستمر ادامه یافت اما با گذشت ایام، این یادگارهای قدیمی از بین رفت و تنها قطعات اندکی از این منسوجات در موزه‌های اروپا و در کلیساهای بایون (Bayonne)، سانس (Sens) و شینون (Chinon)، کلنی (Cologne)، سنت اورسول (Sainte ursul) و سن کوینبیر (Saint cunibert) (نمونه‌هایی متعلق به قرن ۶ و ۸) باقی مانده است.

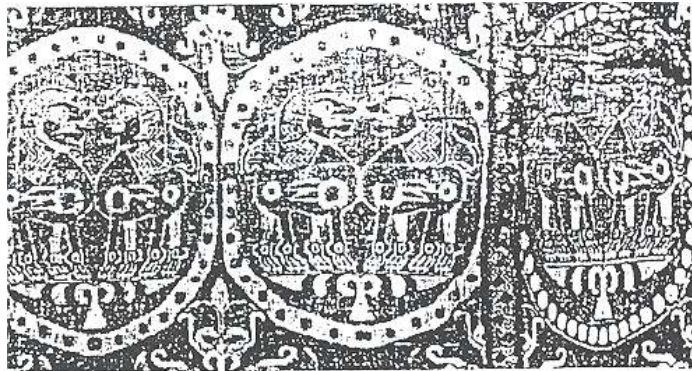


با شروع دوران اسلامی در ایران بافندگان مصری با پارچه‌های زری ایران به رقابت پرداخته و تحت تأثیر زریهای ایران قرار گرفتند. همچنین منسوجات هندی هم در این زمان بحث برانگیزند.^۹ بدین گونه که ویل دورانت درباره منسوجات هند نوشته است: «از پارچه‌های خانه‌باف تا پارچه‌های زربفت پیچیده از پیژامه‌های خوش‌نگار گرفته تا شالهای بی‌درز کشمیر) هر جامه‌ای که در هند بافته می‌شد، زیبایی و جلوه خاصی داشت که خلق آن فقط از هنرمندان باستان و هنرمندان فطری این عصر ساخته است».^{۱۰}

ابن حوقل در سفرنامه خود می‌گوید: «از فسا انواع جامه‌ها به نواحی مختلف صادر می‌گردد. و نیز طراز^{۱۱} چند رنگه زربفت است که در سایر نواحی دنیا مانند آن وجود ندارد و در صورتی که ساده و بدون تذهیب باشد نظیر طراز جهرم و جز آن است».^{۱۲}

به این نکته، مقدسی نیز در کتاب خود اشاره کرده است. به هر حال، صنعت نساجی ایران در قرن سیزدهم میلادی رشد بسیار کرد زریهای ایران در شهرهای نیشابور، مرو، اصفهان، شوشتر، شیراز و کاشان و ابیانه ... به خصوص یزد بافته می‌شد. زریهای یزد شهرتی عالمگیر داشت تا آنجا که همه ساله، مقادیر زیادی از پارچه‌های نفیس زری به کشورهای شرق و غرب صادر می‌شد.^{۱۳}

وضعیت پارچه‌های عثمانی در پایان قرون وسطی و بدین قرار بوده است. «شهرهای سکوتاری و بورسه و هرک، در آسیای صغیر مراکز عمده پارچه‌بافی شناخته شدند و با زریها و مخملهای مزین به نقوش گل و گیاهی و به رنگهای قرمز سیر و طلایی خود طراحان ونیزی و فلاندری را تحت تأثیر قرار دادند».^{۱۴} در جای دیگر ابن حوقل در سفرنامه خود آورده است: «در طبرستان دستار (یا دستمال) پنبه‌ای می‌بافند ... طلای آنجا بی‌مانند است چنان‌که در جامه‌های زربفت طلای آن باقی می‌ماند و از این حیث مشهور است».^{۱۵} «از دوران آل‌بویه از آثار به‌دست آمده از گنجینه ری چند قطعه پارچه ابریشمی زری به‌دست آمده که نقش انسان بالدار سوار بر عقابهایی را نشان می‌دهد».^{۱۶}



تصویر ۱

پارچه زریت: کار ایران از روی سبک پارچه بافی در عهد ساسانیان بافته شده و یک حیوان فرضی شبیه سیمرغ را نشان می‌دهد. این پارچه در حدود ۱۲۰۰ سال پیش از ایران به ایتیکان رفته و هنوز در همان محل محفوظ است. زمینه آن ابریشم بنفش، نقوش با رنگهای قرمز و سبز و بنفش.^{۱۷}



تصویر ۲

پارچه زریت، موزه شهر لیون در فرانسه. خسرو پرویز در میدان جنگ روی تخت نشسته، دست بر روی شمشیر خود گذاشته و منظره جنگ بین ایرانیان و مردم حبشه را تماشا می‌کند. این پارچه در اوایل دوران اسلامی بافته شده است.^{۱۸}



تصویر ۳

در قرن سوم و چهارم هجری، هنوز پارچه‌های زربفت ایران طبق اصول و سنن هنر ساسانی بافته می‌شد. نقش این زری دو حیوان فرضی را نشان می‌دهد که در فردوس، برگهای درخت جاویدان را که در کنار آب حیات روئیده می‌خورند. در حدود ۱۲۰۰ سال پیش مسافران اروپایی این پارچه زربفت را در ضمن مسافرت به ایران به دست آورده و باقی مانده‌های صلیب مقدس را در آن پیچیده‌اند، همراه خود به کشور فرانسه برده‌اند و به کلیسای شهر نانسی در فرانسه هدیه کرده‌اند که امروز در همان کلیسا محفوظ است.^{۱۹}



تصویر ۴

در حدود ۱۲۰۰ سال قبل، این پارچه زریفت که یادگار هنر هخامنشی روی آن دیده می‌شود از ایران خریداری شده و برای پوشاندن روی قبر یکی از مقدسان کلیسای شهر «سانس» در فرانسه به کار برده شده و امروز در همان کلیسا محفوظ است. نظایر این نقش هنوز روی چادرشبهای قاسم‌آباد و روی گلیمهای بافته شده در نقاط مختلف ایران دیده می‌شود.^{۲۰}



تصویر ۵

پارچه زر بفت بافته شده در دوره سلجوقی در ایران، نقش روی این پارچه، شاهنشاهان ایران را در کنار درخت جاویدان و آب حیات نشان می‌دهد. با اینکه در عهد سلجوقیان بافته شده هنوز اسب سواران، کلاه شاهنشاهان ساسانی را بر سر دارند آب حیات از کنار درخت جاوید به صورت چشمه‌ای سرازیر است.

۲-۲-۱- زری بافی ایران در عهد سلاجقه

از زریهای ایران تا دوره سلجوقی دیگر اطلاع چندانی در دست نیست اما از دوره سلجوقی به بعد مجدداً زری بافی رونق یافت. زریبافان با یافتن طاقه شالهای ممتاز در احیای زریهای دوره ساسانی کوشیدند و بدین ترتیب، کارگاههای زری بافی در کشور دایر شد. در این زمان، دستگاههای بافندگی شیراز پارچههای لطیف و متنوعی می ساخت که به کار تهیه قبا می خورد. همچنین پارچههایی که به آن امروز «گاری» می گویند و نیز زری و پارچههای ساخته شده از ابریشم خام (خز) در جهرم، گلیم و جاجیم که برای پرده مصرف می شد و جانمازی که در مساجد از آن استفاده می کردند بافته می شد ... در کازرون و یزد جامههای کتانی و گاریسهای لطیف و پارچههای شبیه زری مصری که به آن «دبب» می گفتند و نیز دستمالهای خوب تهیه می شد.^{۲۱} شواهد و مدارک زیادی این مدعا را اثبات می کند که قدیمی ترین پارچه زری در مقبره یکی از بزرگان سلجوقی در نزدیک آرامگاه بی بی شهربانو به دست آمده است و اما در قرن دوازدهم میلادی صنعت پارچه بافی اهمیت بسیاری پیدا می کرد. مورخان عرب تا هشتصد کارخانه پارچه بافی را تنها در المر با ثبت نموده اند. مقدار بسیار کمی از بافته ها از قرون دهم و سیزدهم میلادی در مجموعه های عمومی یافت می شود.

طرحها به آنهایی که در سایر محصولات هنری به کار گرفته است کاملاً شبیه نیستند. جز طرحهایی که در زمان امویان متداول بود و سالها استفاده می شد مانند: نقشهای ابوالهول، مرد با بدن شیر و حیوانات در حال جنگ؛ موضوعها در دوره سلجوقیان و ایوبیان از روی کارهای عباسی اقتباسی می شد. در قرن پانزدهم میلادی، مودجارها با زری بافی امتیاز خود را در این رشته ثابت کردند و نقشها بیشتر به مارکهای خانوادگی و فرمهای هندسی محدود می شد.^{۲۲}

۳-۲-۱: زری بافی ایران در عصر مغول

«برخورد دائمی بین شاهزادگان شرقی و غربی مغول دارای تأثیر مثبتی در تولید انواع بافته ها گردید. می توان گفت که بافندگی در این زمان نیروی جدیدی یافت؛ به ویژه آنکه زری بافی با نخهای طلا و نقره که در آنها طرحهای گل پیچک، عنقا، اژدها و ابر با فرم مخصوص ریزه کاریهای هنرمندانه در سنت اسلامی به هم آمیخته است».^{۲۳}



مارکوپولو، سیاح معروف، که در آن زمان کشورهای مختلف آسیا را دیده است درباره کارخانه‌های نساجی ایران و برتری آنها نسبت به کارخانه‌های دنیا چنین می‌نویسد: «در ایران عده زیادی از دسترنج خود امرار معاش می‌نمایند. بسیاری از صنعتگران و نساجان مصنوعات خوب و پارچه‌های زری نفیسی با نقشهای خوش‌نما می‌بافند و تجار ایرانی آنها را به کشورهای دیگر می‌فرستند».^{۲۴}

در جای دیگر، مارکوپولو از هنر زردوزی مردم کرمان تمجید کرده است: «برخی منابع چینی مربوط به قرن ششم بعد از میلاد نمونه‌هایی از زری‌بافی ایران را که برای امپراتوری وو (WU) فرستاده شده و در گزارشهای مسافران چینی به این موضوع اشاره شده که تهیه پارچه‌های پشمی و زربفت در شوش، شوشتر، جندی‌شاپور و خراسان رایج بوده است.^{۲۵} آقای هنری رنه دالمانی در کتاب خود، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، درباره پیشرفت صنعت نساجی و صدور گسترده پارچه‌های نفیس زری به تمام کشورهای باختری و کشورهای شرق اقصی مطالبی را ارائه داده است. در شهرهای ایران هم از قبیل نیشابور، مرو، اصفهان، شوشتر، و شیراز پارچه‌بافی معمول بود و پارچه‌های ابریشمی و پنبه‌ای منقوش از کارخانه‌های این شهرها بیرون می‌آمد.

۴-۲-۱: زری‌بافی ایران در عهد تیموریان

متأسفانه از عصر تیموریان پارچه زربفت باقی نمانده است. اما وجود پارچه‌های زربفت در مقیاس گسترده از عصر صفویان این تصور را به وجود می‌آورد که این هنر در دوره تیموریان نیز رواج داشته است. دوره تیموری برای ایران پارچه‌های زربفت و نقره‌ای (سیم بافت) با خود به همراه آورد که ردیفهایی از نقوش حیوانات آسیای شرقی در آنها نمایان است. این حیوانات یا به صورت منفرد بر روی زمینه‌ای از طرحهای اسلیمی واقع شده، یا به صورت جفت بر روی یک ردیف اشکال نوک‌دار به وجود آمده که ابتدا ظریف به نظر می‌آیند و به تدریج خشن‌تر می‌شوند که مشخص‌کننده تکامل بعدی آن است.

کلاویخو در سفرنامه خود آورده است: «حاکم ارزنجان ردایی از پارچه آبی زیتونی بر تن داشت که زری‌دوزی شده بود».^{۲۶} نام مراکزی که در آنها این پارچه‌ها به وجود آمده‌اند تاکنون با اطمینان قطعی معلوم نشده است. آنچه مهم است این است که طرحهای کیلینز (kilins)، فونگ

هوانگ (Fong hoong)، شکوفه‌های نیلوفر آبی (Lotus) و بسیاری اشکال دیگر به این طریق روح جدیدی در کارگاههای اسلامی دمیده و همزمان با آن بر کارخانجات حریرسازی غرب نیز تأثیر ثمربخشی از خود به جای گذاشته است.^{۲۷} در این دوره، نقوش چینی در بافت پارچه‌ها رایج بوده است.

۵-۲-۱: زری بافی ایران در عصر صفویه

دوره صفوی را دوره شروع لطافت، دقت و تحمل و زیبایی در پارچه‌های زری بافی باید دانست. چرا که استفاده از رنگهای شفاف و درخشان نباتی خاصیت جاودانگی به این پارچه‌ها بخشیده بود. در این زمان، زری بافی مخصوصاً توسعه پیدا کرد و آثار زری بافی این دوره که هنوز در کلیساهای اروپا وجود دارد بهترین نمونه هنر این زمان است.^{۲۸} در قرن هفده میلادی - لباسهای زنان بسیار زیبا بوده است. زنان در این زمان شلواری از جنس زری می پوشیدند. کتھای بی آستین که بلندی آنها تا زانو می رسیده نیز از جنس ساتن یا پارچه زربفت مزین به طلا و نقره بوده است. شاه سلیمان نیز کلاهی داشته که آن را از پارچه ماهوت زربفت تهیه کرده بودند. شاردن در سفرنامه خود از زریهای دوره صفوی چنین یاد می کند: ایرانیان «بروکار» (Brocart) را زریاف گویند؛ یعنی منسوج زرین. در ایران منسوجات زربفتی تهیه می کنند که گری یا ذراعی تا پنجاه تومان ارزش دارد (تومان عهد صفوی تقریباً هزار مقابل تومان امروز است؛ یعنی متری نیم میلیون ریال) گز معادل دو پا (هر «پا» معادل ۰/۳۲۴۸ متر است و شست یکدوازدهم پا و ۰/۲۷ متر است)^{۲۹} و نیمه ربع مقیاس اروپائی است؛ یعنی هر شستی، سی اکو، یا ذراعی هزار و یکصد اکوی تمام.

شاردن در جای دیگر از سفرنامه خود ضمن اشاره به پارچه‌های زربافت گران قیمت ایرانی که یک گز آن به مبلغ پنجاه تومان به فروش می رسیده است می نویسد: «در تمام دنیا نفیس تر و گرانبهاتر از این پارچه‌های زربفت ایرانی پیدا نمی شود».^{۳۰} او در جای دیگر ضمن توصیف خانه پسر عزیزالله (جواهر فروش هندی مقیم اصفهان)، از مخده‌های زربفت و تشک و لحافهای زربفت، که در کمال استادی و مهارت دوخته و پرداخته اند، یاد می کند.^{۳۱} کمپفر نیز در سفرنامه اش می نویسد «بر گرانبهاترین پارچه‌ها گلھایی از زر و سیم می بافند...».^{۳۲}



آدام اولثاریوس هم در سفرنامه خود ضمن ذکر هدایای شاه عباس به او و همراهانش به «دو دست لباس زربفت از بهترین بافته‌های ایران با متعلقات آن یعنی دستار و میان‌بند زیبا ...» اشاره می‌کند.^{۳۳}

۱- نقش پارچه‌های زربفت در عهد صفویه

هنر زری‌بافی ایران در دوره صفویه از لحاظ طرح و نقش و جنس پارچه‌های زری به اوج کمال خود رسید. در این دوره، لباس سلاطین درباری، روکرسیها، مخده‌ها و متکاها و پرده‌ها ... همه از جنس پارچه زری بوده است. کارگاههایی در تمام ایران به‌خصوص در یزد و اصفهان برای بافت این پارچه‌ها وجود داشته است. در این زمان «نقشهای روی زری بیشتر شبیه به صفحه‌های مینیاتور بوده است که اشخاص و باغ و مناظر را با قرینه‌سازی در روی آن می‌بافتند یا مجالس بزمی نظیر داستان لیلی و مجنون را از خمسه نظامی تقلید می‌کردند».^{۳۴}

در برخی پارچه‌های زری بافت، که به کشورهای دیگر صادر شده‌اند، تزئیناتی از قبیل تجسم داستانهای شاهنامه، اشعار شعرای بزرگ، نقش شاهزادگان در حال شکار، و نقش بته شاه‌عباسی و نقوش حیوانی از قبیل آهو، شیر، خرگوش و درختانی از قبیل سرو و نارون و انواع نقوش اسلیمی دیده می‌شود. برخی قطعات زربیاف که در عصر صفویه برای تزارهای روس یا کشیشان اروپایی فرستاده شده است، اکنون در موزه‌های آرمتاژ و لنینگراد و استکهلم موجود است.^{۳۵}

شاردن در سفرنامه خود می‌نویسد: «نساجان ابریشم را با سیم زر مخلوط کرده منسوجات نفیسی می‌بافتند که آنها را «زری» می‌نامند. این پارچه‌ها را با نقشهای گوناگون می‌بافتند، به طوری که می‌توان از آنها صد قسم مختلف به دست آورد».^{۳۶} همچنین زریهای نوشته‌دار با الهام از آیات قران و طرحهای منقش به گلها، حیوانات، طرحهای هنری ... در بافت زری به کار می‌رفته است. هانری رنه دالمانی در سفرنامه خود، از خراسان تا بختیاری، درباره نقش پارچه‌های زری دوره صفوی آورده است: «نقشهای این پارچه‌های مختلف چندان تفاوتی با هم ندارند. پارچه‌های قرن هجدهم دارای شکلهای لوزی هستند که در میان آنها دسته گلی قرار دارد، زمینه پارچه‌های این قرن درخشندگی بیشتری دارد و طلا و نقره زیادتری در آن به کار رفته است».^{۳۷}

به‌طور کلی طرح‌های مورد استفاده در این زمان، تصاویر انسان، طرح‌های نوشتاری و داستانی هستند.

۲- انواع پارچه‌های زربفت در عصر صفویه

شاردن در سفرنامه خود می‌نویسد: «ایرانیان بروکار (Boocart) را زرباف گویند یعنی منسوج زرین بعضی از این پارچه‌ها ساده و گوناگون است و برخی دیگر دولا است که آن را «دو رو» می‌نامند چون پشت ندارند و مخمل زرین یا خمیله زرین است.^{۳۸}

چنان‌که دکتر کریستی ویلسن بدین نکته اشاره کرده است: مشهورترین پارچه‌های این زمان زری و مخملهایی است که با ابریشم به‌طور برجسته روی آنها تزئین شده. پارچه‌بافی این زمان مانند قالی و قالیچه نمونه‌ایست از صبر و حوصله و مهارت و استادی بافندگان آن؛ زیرا که بافتن این طرح‌های پیچیده به رنگ‌های گوناگون محتاج به تغییر و تبدیل بی‌انتهای درک و شانه است. طرح و نقشه پارچه‌های ابریشمی از روی زندگی آن عصر و ادبیات اقتباس می‌شد. از نقشه‌های مشهور و متداول تصویر لیلی و مجنون و نقشه‌های گل و برگ و پرندگان و حیوانات نیز است. از کارهای مصروف پارچه‌های ابریشمی عالی است که با نخ‌های طلا و نقره بافته شد. تهیه و بافت این قسم پارچه در زمان شاه عباس، که به پارچه‌بافی علاقه مخصوص داشت، بسط و توسعه یافت. به‌علاوه دستگاه‌های نساجی یزد و کرمان مدتها برای پارچه ابریشمی معروف بودند، شاه عباس از این دستگاه‌ها در اصفهان نیز تأسیس کرد که پارچه‌های دربار را تهیه می‌نمودند.^{۳۹}

از انواع پارچه‌های زری این دوره می‌توان: «مشجرزری»، «زری لبه‌باف» (با نقوش برجسته)؛ «زری اطلسی» (که در پشت آن نخ‌های پود آزاد است)؛ «زری پشت کلاف»؛ «ختایی» (شامل گل‌های شاه عباسی و برعکس نقوش اسلیمی) و مخمل و زریهای برجسته را نام برد که رونق و رواج بسیار یافت و قسمت عمده آن مورد استفاده شاه، درباریان، امراء و مردان و زنان طبقات مختلف قرار می‌گرفت و زریهای بسیار ممتاز و گرانبها، زینت اشرافیان واقع شد.



تصویر ۶

زری با نقش انسان- دوران صفویه

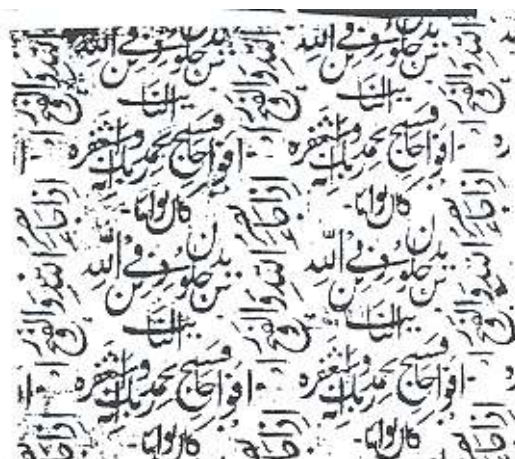
یکی از نمونه‌های زیبای عهد صفویه قطعه‌ای است با نقش انسان به اندازه‌های بزرگ‌تر که هرکدام در یک دست صراحی و در دست دیگر جامی دارند و بین هر دو انسان شاخه درختی دیده می‌شود که بر روی آن پرنده‌ای قرار گرفته است.



تصویر ۷

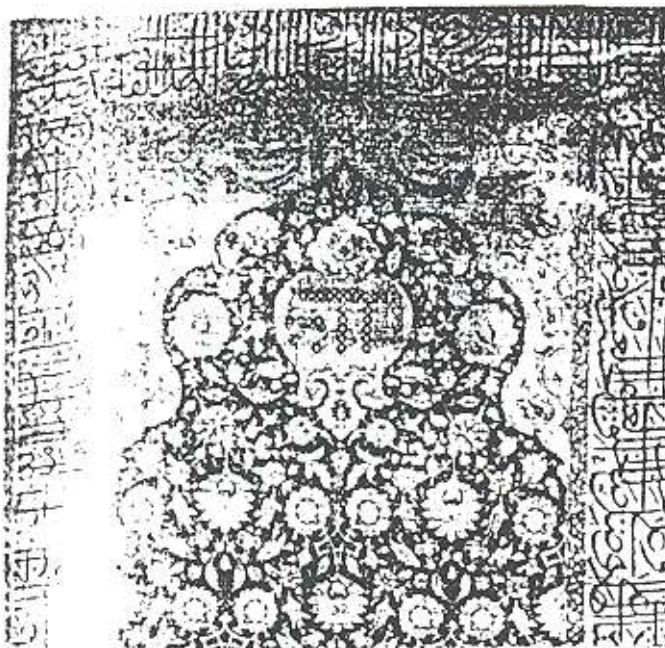
زری زمینه سورمه‌ای با نقش انسان- دوران صفویه

نمونه دیگر یک قطعه زری زمینه طلایی از ابریشم به رنگ سورمه‌ای است که نقش جوانی را با لباسهای فاخر در باغی برای تجسم جوی آب نشان می‌دهد که پشت به درختی ایستاده است و در یک دست صراحی و در دست دیگر جامی دارد. برای تجسم جوی آب چند ماهی و مرغابی در آب نمایانده شده است.



تصویر ۸

زری نوشته‌دار دوران صفویة اصفهان



تصویر ۹

زری سمباده‌ای دوران صفویة اصفهان

تصاویر ۶، ۷، ۸ و ۹ برگرفته شده از: پروین برزین، پارچه‌های قدیم ایران، مجله هنر و مردم، دوره جدید، ش ۳۴، ۱۳۴۵ برگرفته شده است.

۳- مراکز زری بافی در زمان صفویه

«ایران قرن‌ها تولیدکننده اصلی پارچه‌های زری برای دربارها و کلیساهای جهان از لندن تا توکیو بود و پارچه‌های آن خواه برای دوخت البسه تاج‌گذارها در اروپا و خواه برای دوخت جامه هیدئوشی (Hideyoshi) خاص «شگون» ژاپنی در اواخر سده شانزدهم همه جا به کار می‌رفت. مراکز بزرگ هنر در زمان صفویه که روزگار اوج هنر به‌شمار می‌رود اصفهان و ایبانه و یزد بود که پارچه‌های زری دولا در آن بافته می‌شد و نیز کاشان که بافته‌هایش از زمان ساسانیان به این سو شهرت داشته است. تا قرن گذشته، زریهایی که از حیث مرغوبیت با فرآورده‌های جاهای دیگر رقابت می‌کرد هنوز به مقدار زیاد بافته می‌شد و تشخیص آنها از منسوجات زمان صفویه ممکن نبود»^{۴۰} (به تصاویر ۱۰ و ۱۱ مراجعه کنید).

۶-۲-۱: زری بافی ایران در عهد قاجاریه

بافت پارچه‌های زری تا زمان ناصرالدین شاه قاجار در ایران رواج بسیار داشت اما به تدریج متروک شد. در این میان شالهای ابریشمی با زمینه‌هایی منقوش که در انتها شکل نخ گلدانی را پیدا می‌کرد با مفتولهای سیم و زر تزئین یافته و حواشی زردوزی شده منقش به نقوش نباتی بافته شد. با شروع سلطنت قاجاریه در ایران و بازشدن پای اروپاییان به ایران عواملی چون نامنی، و بی‌ثباتی اوضاع اقتصادی، صدور ابریشم روسیه به ایران (که از موارد مهم بافت پارچه‌های زری بوده) صدور پارچه‌های زری لهستانی ماشین‌باف به ایران (که نمونه‌ای از آن در موزه کراکوی Cracouie محفوظ است) و نیز پارچه‌های ماشین‌بافت و ارزان‌قیمت و نیز لیون به دربار سلاطین و خانه‌های اعیان ... در متروک ماندن بافت این پارچه‌ها مؤثر بوده است. در پایان این دوران، نساجی تنها در شهرهای کاشان و یزد برقرار بود و ابریشم مورد نیاز این کارگاهها از کشورهای اروپایی یا از شهر رشت تهیه می‌شد. یکی از استادان معروف زری بافی اصفهان در دوران قاجاریه حاج رحیم اصفهانی بوده است.^{۴۱}

یک قطعه زری بافی ابریشم، کار استاد رضایی از یزد به تاریخ ۱۳۵۵ وجود دارد که طرح آن به صورت بته جقه و درازی هر قطعه تکراری ۹/۵ سانتی‌متر است. در اواسط دوره قاجاریه

زری‌بافی با افتی موقتی روبه‌رو شد اما سرانجام استاد محمدتقی نقشبند کارگاه‌های زری‌بافی را مجدداً احیاء کرد که علاوه بر احتیاجات داخلی بخشی از تولید در زمره صادرات خارج از کشور در آمد. میرزا حسین خان تحویلدار اصفهانی راجع به پارچه‌های زری اصفهانی چنین نگاشته است: جماعت زرکش: قبلاً که بافت زری قدری داشت زرکش هم با منزلت بود. هنر زرکشی از صنعت‌های خوب اصفهان است. دستگاه با حکمت و اسباب دقیق دارد. دقت را به جایی رسانده بودند که از یک مثقال طلا ۱۲۰۰ ذرع نخ گلابتون درست می‌کردند.

او سپس راجع به جماعت زریباف می‌نویسد: سابقاً زری‌بافی شیوع داشت و زری از پارچه‌های مرغوب ایران بود و مخصوص به اصفهان، لباس‌های رنگین و زرین بزرگان و شاهزادگان و خلعت سنگین سلاطین زریباف می‌شد. صنعتی است که تا به حال فرنگیان مانند اصفهان آن را به کمال نرسانیده‌اند.^{۴۲}

۷-۲-۱: زری‌بافی در عصر پهلوی

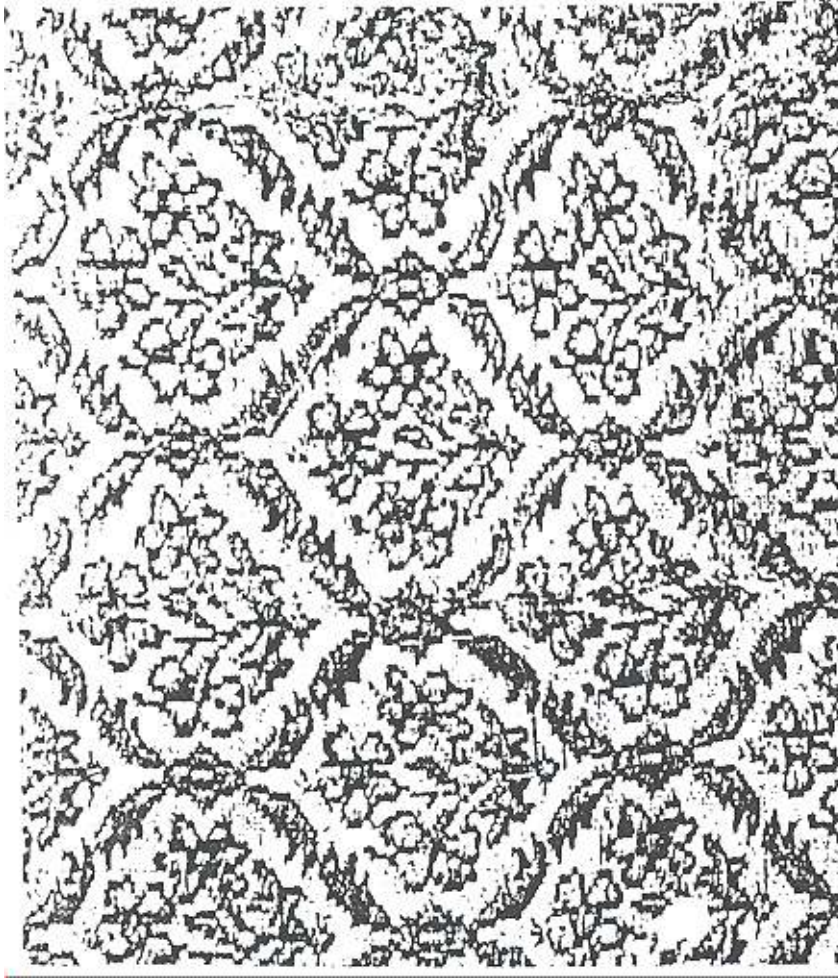
در عصر پهلوی حجم واردات کشورهای گوناگون، رقابتی را از لحاظ قیمت تولیدات در ایران به‌وجود آورده بود. از طرفی هنرمندانی هم که هنوز به کار ادامه می‌دادند به‌دلیل محدودیت تولید و بالا بودن قیمت فراورده‌های دستی خود در برابر محصولات کم‌قیمت و مرغوب وارداتی توان مقاومت را نیافته و لزوماً برای آنکه بتوانند کالاهایی را تولید نمایند که قیمت کمتری داشته باشند به تقلب روی آوردند و با استفاده از مواد اولیه نامرغوب، محصولاتی ارزان‌قیمت را روانه بازار کردند و این موضوع هم به خودی خود سهم مهمی در منزوی کردن صنایع دستی و از رونق افتادن بازار کار ایفاء کرد. اما این مشکلات به‌خصوص اثرات جنگ دوم جهانی نتوانست در روحیه هنرمندان هنردوست اثر بگذارد آنها با استفاده از دستگاه‌های ساده، میراث پدران خود را حفظ کردند. آنها اکثراً هنرمندان بی‌نام و نشان و درواقع حافظ صدیق میراث‌های کهن مردم بودند، که بعد از سقوط سلسله قاجار، صنایع دستی را احیاء نمودند.



تصویر ۱۰
پرده نقش دار - زرکش فرشینه، قاب بندی پشمی
متعلق به قرن ۱۷م



تصویر ۱۱
ابریشم و زری با تارهای نقره‌ای
متعلق به یزد، قرن ۱۶م



تصویر ۱۲
نمونه پارچه زری با نقش بازوبندی
سده ۱۲ هجری قمری

۸-۲-۱: وضعیت فعلی زری بافی

در سال ۱۳۰۹ به اهتمام حسین طاهرزاده بهزاد تبریزی، کارگاه زری بافی سازمان میراث فرهنگی کشور با احضار استاد حبیب‌الله طریقی از کاشان فعالیت خود را آغاز کرد. طریقی اولین کارگاه



زری‌بافی را در شمس‌العمارة تهران بنیاد نهاد که بعد به اداره کل صناعت قدیمه منتقل شد و درکنار موزه هنرهای ملی فعلی در کنار ساختمان اداره ارشاد به کار خود ادامه داد و سرانجام در نوزدهم بهمن ماه ۱۳۱۶ این کارگاه در ساختمان جدید میراث فرهنگی درخیابان آزادی تهران به کار خود مشغول شد. محمد طریقی فرزند وی نیز در تداوم کار زری‌بافی مؤثر بود.

«استاد حبیب‌الله طریقی ... انواع بافت زری را چون دارایی‌باف، لپه‌باف، پشت کلاف، اطلسی، دارایی، ختایی، گل‌برجسته و ... براساس آنچه از اصول این هنر سنتی بر سینه داشت و از پدر آموخته بود ابتدا به فرزندش و سپس به شاگردانش که کاشانی‌الاصل بودند آموخت. محمد، در ماندگاری این هنر سهم مهمی داشته است و همچنین استادان بزرگی چون مرحوم محمد طریقی، مرحوم حسین اسلامیان، استاد محمود فرشچیان، و چند تن دیگر با اندک تغییر ظاهری و با افزودن و کاستن یک عنصر تزئینی اشکال نوینی را، که گویی آفرینش نقشهای تازه‌ای است، ابداع کرده‌اند.

همان‌گونه که استاد مهدی شمعلی، استاد زریباف اصفهانی، متذکر شده‌اند متأسفانه هنر زری‌بافی با توجه به کمبود نیروی انسانی جوان رو به نابودی است و این بار گران برعهده مسئولان امر است که گامی در جهت احیاء و زنده ماندن این هنر اصیل و سنتی بردارند.

متأسفانه امروزه زری‌بافی رواج سابق خود را ندارد. تا چند سال قبل در یزد و تهران و اصفهان کارگاه‌های زری‌بافی دایر بودند. محمد رضائی (تخت استاد) استاد زری‌بافی یزد در سال ۱۳۵۵ جایزه ممتاز سازمان صنایع دستی را احراز کرد. در تهران کارگاه‌های سازمان میراث فرهنگی، تعداد بسیاری دستگاه‌های زری‌بافی و ژاکار دارند. فرآورده‌های کارگاه‌های هنرهای زیبا شاید به نفاست فرآورده‌های نی‌شی‌جین (Nishijin) ژاپن است^۴، ولی میزان تولید آن اندک است. بسیاری از این فرآورده‌ها به مصرف هدایای رسمی و دولتی می‌رسد. تالار شماره سه موزه هنرهای تزئینی تهران مخصوص پارچه‌های زری از دوره صفویه تا قاجاریه است. در این تالار کمربندهای زری‌دوزی، آئینه‌دوزی و زربفت وجود دارد.

بخش دوم: زری بافی اصفهان

تا چند سال قبل در اصفهان شانزده کارگاه زری بافی موجود بود که در آن کارگاهها به سنت قدیم زریهای بسیار اعلا تهیه می شد.

الف: وضع موجود زری بافی در اصفهان

متأسفانه امروزه در اصفهان زری بافی تنها در کارگاههای هنرستان هنرهای زیبا و کارگاههای وابسته به سازمان میراث فرهنگی انجام می گیرد. هنرستان اصفهان دو دستگاه زری بافی دارد که یکی از آنها در کارگاه زری بافی هنرستان هنرهای زیبا و دیگری در بازار آفرینش هنر، جنب عالی قاپو، قرار دارد که هر دو وابسته به اداره ارشاد اسلامی هستند. متأسفانه امروزه زری بافی در خانهها انجام نمی شود.

در سالهای اخیر دو کارگاه فعال (هنرهای سنتی) را سازمان میراث فرهنگی شهر اصفهان برپا کرده است که در خانه مشهور شیخ الاسلام دایر هستند. مسئولیت این دو کارگاه با آقایان ترکی و شعبانی است. کارگاه اصلی زری بافی سازمان میراث فرهنگی شهر اصفهان را استاد مهدی شمس علی، که قبلاً مسئولیت این کارگاه را در هنرستان هنرهای زیبا داشته اند، برعهده دارند.

ب- استادان زری باف (اصفهانی) عبارت اند از:

مرحوم حاج مهدی پورنقشبند، مؤسس رشته زری بافی در هنرستان هنرهای زیبای اصفهان، که در سال ۱۳۵۱ فوت کرده است؛ مرحوم استاد تاج میر ریاحی که استاد بافنده پارچه زری بوده است؛ محمدعلی امین الرعایا که در سال ۱۳۵۳ بازنشسته شده است، رضا فتاحی، محمد فداکار، ناصر ژالبار، محمد قزلباش، آقای سید قلم (در اوایل انقلاب اسلامی بازنشسته شدند).

استاد حسن شمس علی، استاد مهدی شمس علی (استاد گوشواره کش) مرحوم عمیدی، مرتضی شیخان، اکبر نصری، استاد محمدرضا رضایی (استاد رنگرزی)، یدا... پور عطاری از استادان اخیر زری بافی شهر اصفهان هستند.

بخش سوم: مراحل زری بافی**۳-۱: مواد اولیه زری بافی**

عمده‌ترین ماده زری بافی ابریشم طبیعی است که در بافت زمینه پارچه از ابریشم ساده و برای بافت نقوش از نخ ابریشم طلایی و نقره‌ای استفاده می‌شود. اولین اقدام برای بافت، رنگ کردن ابریشم است. ابتدا ابریشم طبیعی را آنگاه که از پیله درآوردند به کارخانه ابریشم‌تایی می‌برند تا به صورت چله درآید و بعد از آنکه اضافات آن را می‌گیرند چله‌ها را به صورت دسته‌های دولای یا پنج‌لای درمی‌آورند. بعد از آن، چله‌های ابریشم را در کارگاه رنگرزی رنگ می‌کنند بدین ترتیب که بعد از جوشاندن مواد رنگی، که بیشتر شامل مواد گیاهی است و عبور آنها از صافی - مواد صاف شده را داخل پاتیل بزرگ رنگرزی ریخته و آن را با آب نیم‌گرم مخلوط نموده و زیر آن را با شعله‌ای حرارت می‌دهند و پس از آن ابریشم تابیده شده به دور چوب را وارد پاتیل و به مایع رنگی آغشته می‌نمایند؛ البته در گذشته تارهای ابریشمی همه با رنگهای طبیعی رنگ می‌شد اما امروزه تا حدودی از رنگهای شیمیایی در تهیه آن استفاده می‌شود.

۳-۲: رنگهای پارچه زربفت

رنگهایی که در پارچه زری به کار می‌روند تماماً گیاهی است که هر قطعه زری رنگ خاص خود را دارد که این رنگها در مواقع ضروری کم و زیاد می‌شوند. استاد مرتضی شیخان، استاد زربافت اصفهانی، یادآوری می‌کند: آن چیزی که در رنگ پارچه زری اهمیت دارد آن است که استفاده از رنگهای سنتی و گیاهی برای همیشه در پارچه زری حفظ شود و از رنگهای شیمیایی و جوهری استفاده نشود.^{۲۲} برای به دست آوردن رنگهای مختلف به میزان مورد نیاز نسبت رنگهای به کار گرفته شده را کم و زیاد می‌کنیم. به طور کلی موادی که برای به دست آوردن رنگهای گیاهی مخصوص بافت پارچه زری به کار برده می‌شود عبارت‌اند از: زاج سفید، اسپرک، کندل، قارا، غوره، لیموترش، پوست گردو، رناس سود، جفت، نیل.

طریقه رنگ کردن، فرمولها

زرد = اسپرک - کندل، زاج سفید

سبز = اسپرک - کندل، زاج سفید، نیل؛

قرمز = که شامل دو نوع است: ۱- قرمز شرابی = زاج سفید، قارا، لیموترش، غوره؛ ۲- قرمزدانه یا کرم شرابکش = زاج سفید، قارا، روناس؛
 آبی = قارا، آبی سیباق (مایل به سبز)؛
 صورتی = روناس، زاج سفید، پوست گردو؛
 بژ = زاج سفید، قارا، روناس، پوست گردو؛
 مشکی = رنگ مشکی، نمک؛

بعد از آن، ابریشم رنگ شده را به کارگاه زری بافی می آورند. آنها را با ابریشم و نشاسته گل گندم آهار می دهند تا کمی خود را بگیرد، سریشم، باعث سفت شدن تارهای ابریشم و نشاسته، عاملی است که باعث راحت جدا شدن تارهای ابریشم از یکدیگر می شود. در این زمان، نخ گلابتون را هم، که یکی از پودهایی است که داخل پارچه زری بافته می شود، آماده می کنند و در این هنگام مواد اولیه برای بافت زری آماده می شود.

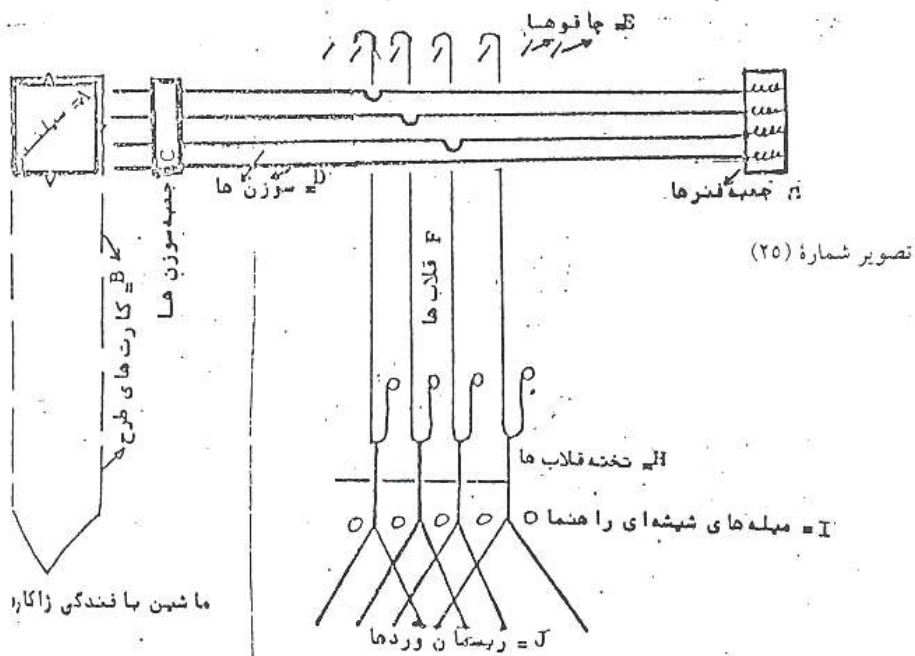
۳-۳: دستگاههای زری بافی

تولید زری به دو صورت انجام می گیرد: با استفاده از دستگاههای سنتی و با استفاده از دستگاه ژاکارد. ۱- دستگاههای سنتی زری بافی که نزد اهل فن به دستگاههای «دستوری» شهرت دارد از نظر شکل ظاهری تا حدودی شبیه سایر دستگاههای نساجی سنتی است و کار تولید را دو نفر صنعتگر یعنی یک نفر بافنده و یک نفر گوشواره کش (همانند دستگاههای سنتی ترمه بافی) انجام می دهند و در واقع، می توان گفت، پارچه زری حاصل هماهنگی و همکاری و هنر بافنده و گوشواره کش است.

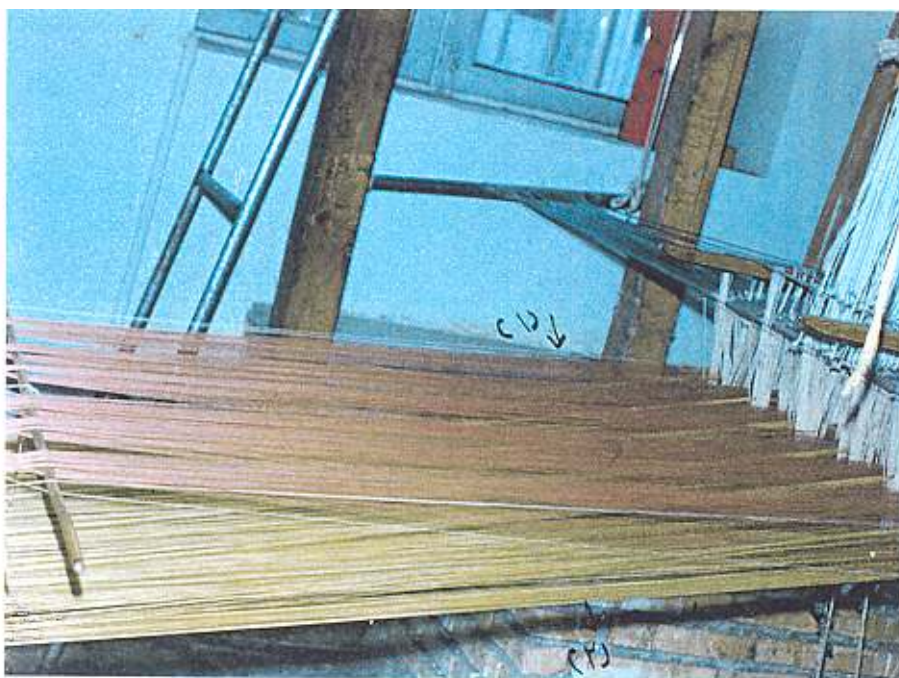


تصویر ۱۳
دستگاه سنتی زری بافی (دستگاه نقشبندی)

۲- استفاده از دستگاه ژاکارد برای تولید زری سابقه‌ای چندان طولانی ندارد. دستگاه ژاکارد به خاطر افزایش سرعت در تولید پارچه زری و صرفه‌جویی در هزینه و وقت صنعتگران به کار گرفته شده است. با استفاده از دستگاههای سستی زری بافی، می‌توان به تولید حدود سی سانتی‌متر در روز دست یافت. حال آنکه در صورت استفاده از دستگاه ژاکارد این میزان به حدود صد سانتی‌متر در روز افزایش می‌یابد.^{۴۵} در یک دستگاه نساجی پنج یا شش نفر کارگر مشغول کار هستند و به‌عوض دو ماکو ۲۴ تا ۳۰ ماکوی مختلف به کار می‌افتد. کارگرانی که این نوع پارچه‌های ممتاز را می‌بافند هریک روزانه پانزده تا شانزده شاهی اجرت می‌گیرند و می‌توانند مقدار بسیار کمی بیافند...^{۴۶}



* نمای ساده شده ماشین بافندگی ژاکارد



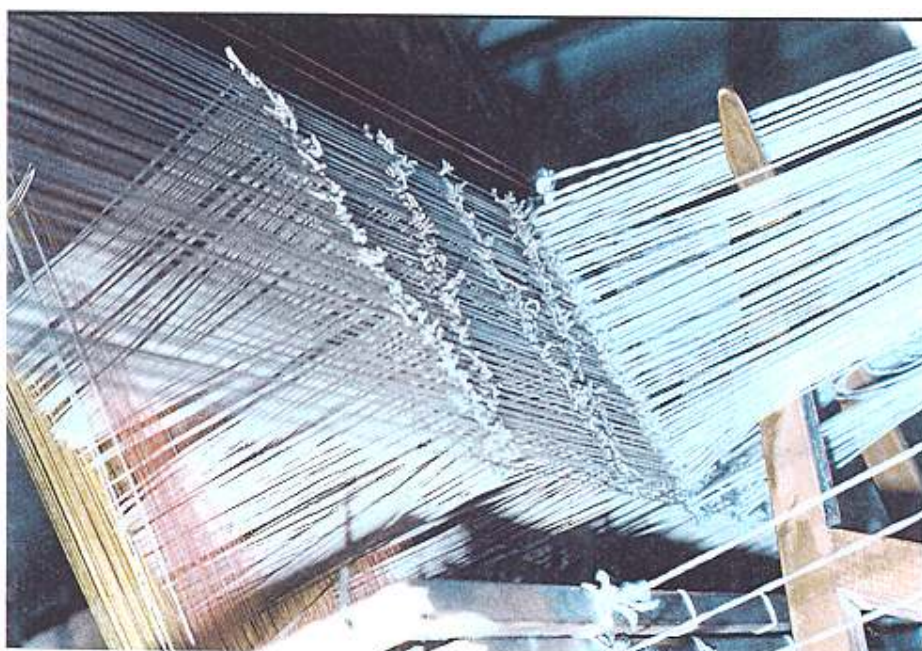
تصویر ۱۴

(۱) تارهای رویه جهت دوخت

(۲) تارهای زیرین جهت نقش

دستگاه زری‌بافی دو دسته تار و چله دارد. چله رویی یا چله دوخت، چله زیرین یا چله زمینه که با آن نقش ایجاد می‌شود. این دستگاه تعدادی «وردهای استاندارد» به نام «وردهای گیرنده» دارد. این وردها به نخهای تار چله زیرین یا زمینه متصل است. نحوه قرار گرفتن این وردها بر روی شلیتها به چگونگی طرح و تکرار آن در عرض پارچه بستگی دارد؛ یعنی چنانچه نقشه از یک طرح کامل با تکرار مستقیم تشکیل شده باشد این وردها به صورت مورب و از یک سمت بر روی شلیتها یا زه‌ها بسته می‌شود و چنانچه طرح جزو دسته طرحهای آئینه‌ای باشد نحوه

بسته شدن وردها به صورت رفت و برگشت یا هفت و هشت خواهد بود که همه ردیف از این وردها را یک رخ می‌گویند. زه‌های افقی متصل بر روی دستگاه که از یک طرف به لاهای گوشواره و از طرف دیگر به وردهای چلهٔ تار زیرین متصل است، سابقاً از رودهٔ گوسفند تهیه می‌شده است و به‌ناچار برای نرم ماندن و دوام آن هر چند مدتی یک‌بار به آن پیه می‌مالیدند. اما اکنون این زه‌ها از ریسمانهای پلاستیکی مقاوم تهیه می‌شود. دستور یا نقشه تعدادی دسته نخ عمودی دارد (گوشواره‌ها و لاهها) که در قسمت بالا به یک چوب به نام قلمبک متصل است.^{۴۷} در قسمت پایین هر نخ یا لا، دستور به یک زه افقی وصل شده است. علت وجود این زه‌ها (شلیتها) (تصویر ۱۵) به‌منظور پیاده کردن طرح بر روی پارچه است. متناسب با لاهها و زه‌ها که به بالا کشیده می‌شود رخیهای وردها نیز بالا رفته و در نتیجه، تارهای نقش نیز بالا کشیده می‌شود. این اعمال که به زریباف اجازه می‌دهد نقشه‌های تکراری را در عوض پارچه به تعداد معین و به نسبت عرض دستگاه بیافد دستورها طبق نقشه به ترتیب و دنبال هم قرار می‌گیرند.



تصویر ۱۵
شلیت



۴-۳: طرح و نقشه پارچه‌های زربفت

نکته قابل توجه آن است که در تولید زری تماماً از طرحها و نقشهای اصیل و سستی استفاده می‌شود و به جرئت می‌توان اظهار کرد که اکثر نقشهای سستی و حتی نقشهای غامض و پیچیده را در قرون و اعصار متمدنی هنرمندان زربافت بر روی پارچه زری پیاده کرده‌اند و این طرحها نه تنها شامل طرحهای ویژه پارچه بلکه شامل طرحها و نقشهای ویژه سنگ و سفال و فلز و قالی و ... حتی طرحهای ظریف مینیاتوری نیز می‌شود که با ذوق و مهارت سرشار طراحان و بافندگان به اجرا درآمده است.^{۴۸}

استاد مهدی شمس‌علی، استاد سابق زربافت هنرستان هنرهای زیبای اصفهان، راجع به زری‌بافی می‌گوید: تنها گفتن این نکته کافی است که باید اصالت در نقشهای پارچه زری حفظ شود و استاد یدالله پورعطار می‌گوید: «زری‌بافی یک کار زیربنایی است که از زمانهای قدیم تاکنون رواج داشته است و باید سعی شود که این کار زیربنایی همچنان به حیات خود ادامه دهد و فراموش نشود. طرحهای گذشته اصالت بیشتری نسبت به طرحهای جدید داشته است».^{۴۹}

انواع پارچه‌های زربافت مشهور عبارت‌اند از: زری بته شاه عباسی، مشجر زری، زری لبه‌باف، زری اطلسی، زری پشت کلاف، قلمکار زری، ختائی‌باف، سیم‌باف، مخمل زربفت و ... از ویژگیهای بسیار مهم زربفت تکرار نقشها در طول افقی و عمودی به‌حالت قرینه است. اساس پارچه زربفت را «چله» تشکیل می‌دهد. تعداد نخهای چله پارچه با نقشه آن رابطه مستقیم دارد.

ابتدا بعد از آنکه نقشه موردنظر بر روی کاغذ چهارخانه ریز پیاده و رنگ شد، نقشبند طرح را بر روی نخهای دستور نقش‌بندی منتقل می‌نماید. این نخها به اندازه محل اتصال آنها در بالای دستگاه، تا روی شلیتها یا زه‌های دستگاه زری‌بافی در نظر گرفته می‌شود. سپس بر روی دستگاه نقش‌بندی قرار گرفته و به نقشبند اجازه می‌دهد که طرح را بر روی نخها پیاده کند. در داخل هر دستور بر مبنای همان طرح، تعدادی گوشواره وجود دارد. دستور و گوشواره‌های آن بر روی دستگاه طبق طرح موردنظر قرار داده می‌شود.

براساس این طرح، در هر گوشواره تعدادی «لا» وجود دارد که همان خانه‌های ریز بر روی کاغذ چهارخانه هستند. لاهای هر گوشواره بر طبق رنگهای طرح به تعداد چهار و پنج و یا هفت و

هشت رنگ تقسیم می‌شوند که در هنگام نقش‌بندی هر انگشت دست نقشبند جایگاه یک رنگ به‌خصوص است. این لاها بعد از کشیده شدن هر گوشواره در قسمت بالا و یا پایین دستور فوق جمع می‌شوند.

به‌عبارتی دیگر، گوشواره‌کش نقش را از دستور نقشبندی جدا می‌کند و به‌ترتیب رنگ نقش را می‌کشد و بافنده با ماکو از داخل تارها یک رنگ عبور می‌دهد (هر گوشواره شامل چندین رنگ است).

هرچه تعداد «لنگه وردها» برای بافت پارچه زیرین بیشتر شود پارچه شل‌تر می‌شود و چون دو پارچه با هم دوخته می‌شوند سطح پارچه یکنواخت و صاف نخواهد شد. تکنیک «بافت» یکی از انواع این پارچه‌ها به طریقی بوده که اکثر پودهای به‌کار رفته، بعد از هر بار وارد شدن در پارچه در حاشیه آن باقی‌مانده و از آنجا مجدداً، از پشت و روی تارها وارد متن آن می‌شود. این نوع زری باصرفه بود؛ زیرا پودهای شل باعث تعادل وزن آن در همه قسمت‌های پارچه می‌شد. تافتة زربفت اصفهان غالباً ۷۰ سانت عرض و چله محکمی دارد. اما عرض این پارچه در میانه حدود ۷۲ تا ۷۳ سانتی‌متر است. در دوره صفوی، حدود پنج یا شش نفر در آن واحد به بافت پارچه زری مشغول بودند و به‌جای استفاده از دو ماسوره رنگی از حدود ۲۴ تا ۳۰ ماسوره رنگی متنوع استفاده می‌کردند.

۳-۵: نحوه زری بافی

ابزار زری بافی عبارت‌اند از: قلمبک، (ماسوره‌ای که در پایین وزنه قرار دارد)، شانه (که برای مرتب کردن تارها به‌کار می‌رود)، عروسک (برای تنظیم کردن وردها)، ماسوره (که با تویی نخ را از آن پر می‌کنند، ماسوره، ... (تصاویر ۱۶ و ۱۷).



تصویر ۱۶
(۱) کلک، (۲) دفتین، (۳) شانہ، (۴) کریخک، (۵) نورد



تصویر ۱۷
(۱) قید، (۲) ماسوره



برای تهیه پارچه زری با عرض هشتاد سانتی متر به ۱۴۱۰ تار زیر و ۱۴۱۰ تار رویه از جنس ابریشم نیاز است. از تارهای ابریشمی که برای تارهای زیر و تارهای رویه استفاده می شود قبلاً با نشاسته گل گندم و سریشم آهار داده شده اند. طرز طراحی بدین صورت است که سه لنگه ورد برای تار رویه آماده می کنیم که هر لنگه ورد شامل ۴۷۰ ورد است. کل کار ۴۷۰ قطار است و هر قطار از یک تا سه داخل وردهای تارهای رویه عبور می کند و از بغل آن تارهای زیر عبور می کند و پس از این مرحله، تارهای موجود از شانته به صورت دو تار زیر، دو تار رویه عبور می کنند.

۱- ۳-۵: وردبرداری مربوط به نقش

۱۴۱۰ ورد را شامل است و از داخل هر ورد یک تار زمینه برای نقش عبور می کند و این ورد به شلیت متصل می شود و شلیت به دستور نقش بندی. وردهای شلیت به حساب نقشه به شلیت وصل می شود. بستن ورد به شلیت بدین گونه است:

۱- هنگامی که یک چهارم از نقش را داشته باشیم وردها به صورت رفت و برگشت به شلیت وصل می شوند.

۲- وقتی نقشه ها کامل باشد به صورت رخ ورد به شلیت وصل می شود.

۲- ۳-۵: کاربندی

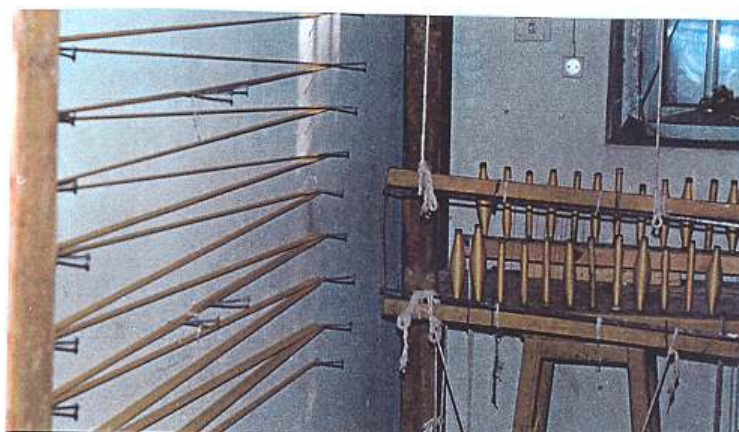
وقتی تار یا چله تمام شد مجدداً تارها را با پیلۀ ابریشم و صمغ (شیره درخت زردآلو) به یکدیگر پیوند می زنند که به این عمل «کاربندی» می گویند (تصاویر ۱۸، ۱۹ و ۲۰).



تصویر ۱۸
ابزار زری بافی: (۱) کوپی، (۲) قلمبک، (۳) وزنه



تصویر ۱۹
کوپی پیچی، باز کردن ابریشم توسط چرخ ماسوره پیچی



تصویر ۲۰
چله‌دوانی

۳-۵-۳: عملیات روی نخ ابریشم

تار و پود پارچه زری از نخ ابریشم است این نخ از پیله کرم ابریشم تهیه می‌شود که نخ ابریشم در بازار به صورت کلافهای کوچکی است که بعضی وقتها برای سفید کردن این نخ به آن کهلا اضافه می‌کنند. برای مثال: در کاشان در کارگاه آقای نوروزی و پسران و جاهایی که چله ابریشم می‌کشند این عملیات را انجام می‌دهند.

۳-۵-۴: تعداد تارهای رو و زیر در پارچه زری

تارهای رو در پارچه زری از شش ردیف تشکیل شده‌اند که در هر ردیف ۲۴۰ عدد تار نخ وجود دارد که جمعاً تارهای رو شامل ۱۴۴۰ تار نخ است. تارهای زیرین نیز شامل ۱۴۴۰ تار نخ هستند که در هشت ردیف، تار نخ تقسیم شده‌اند.

بعد از آماده شدن مقدمات کار ابتدا استاد گوشواره‌کش در بالای دستگاه، روی تخته‌ای نشسته (عکس ۲۱، ۲۲ و ۲۳) و کاملاً درمقابل دستورها قرار می‌گیرد، استاد بافنده در پایین دستگاه با فشار دادن بر روی پا تخته‌ای که زیر پای اوست دهنه‌ای ایجاد می‌نماید ... ابتدای پارچه حدود یک سانت ساده‌بافی می‌شود. این کار با کشیدن تمامی یک دستور نقش‌بندی شده انجام می‌گیرد. اولین گوشواره را استاد مربوطه با جداکردن لاهای آن با دست و کلک که چوبی



است به شکل هفت و زاویه دار، و کشیدن یک دسته لای، آن گوشواره توسط کلک و چرخش آن انجام می شود.



تصویر ۲۱

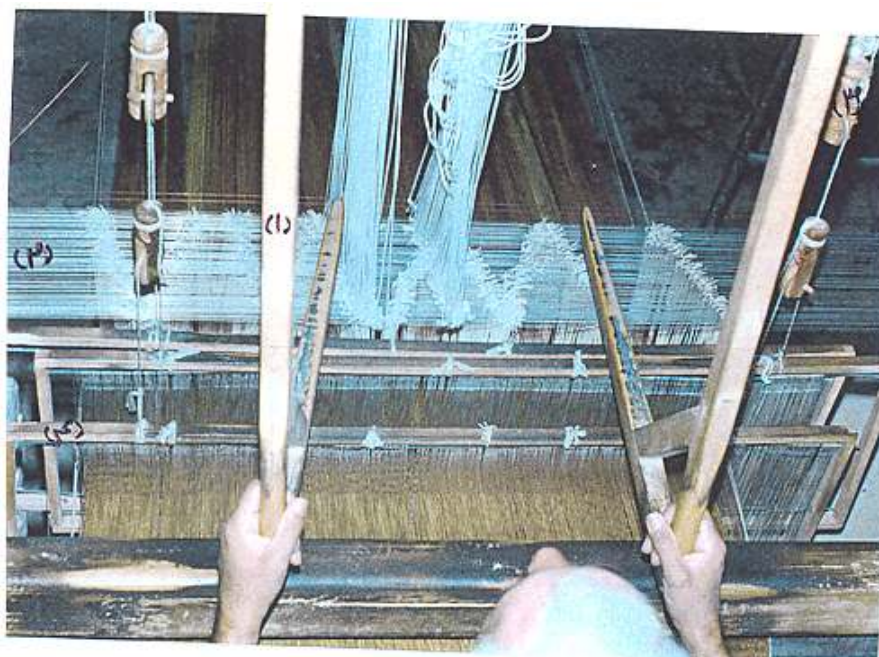
کاربندی، پیوند زدن تارها به یکدیگر توسط پیلۀ ابریشم و صمغ (شیره درخت زردآلو)



تصویر ۲۲
آماده نمودن گوشواره



تصویر ۲۳
گوشواره کشی به وسیله کلک



تصویر ۲۴

(۱) کلک، (۲) شلیت، (۳) عروسک، (۴) ورد

استاد بافنده پایین، با بالا آمدن زه‌ها دو عدد کلک زه‌ها را با بافنده زیر تمامی زه‌های بالا آمده قرار می‌دهد و در نتیجه این عمل، دهنه‌ای برای زدن پود ایجاد می‌شود. استاد بافنده ماکوی مناسب را داخل دهنه انداخته و پس از خارج نمودن آن از سمت دیگر، دو کلک را از زه‌ها جدا می‌نمایند.

استاد گوشواره‌کش نیز دسته لاه‌ها را می‌کند و در پایین یا بالا آنها را جمع می‌نماید. به این ترتیب، پودهای پارچه یکی پس از دیگری زده می‌شود؛ یعنی به دنبال بازشدن دهنه‌ها یا چَر به وسیله استاد بافنده دومین و سومین و ... پود زده می‌شود هنگامی که تمام گوشواره‌ها کشیده شدند یک طرح و یا یک مجلس بر روی پارچه نقش بسته شده است. برای تکرار طرح، بسته به نحوه اجرای آن (مستقیم یا معکوس) گوشواره‌ها را بالا می‌برد و بار دیگر در پایین جمع می‌کند



یا گوشواره‌ها را از همان آخرین گوشواره می‌کشند تا به اولین برسد، این روش از زمان «ساسانیان» متداول بوده است.

بافت پارچه‌های زری با سه لنگه ورد، بر روی دستگاهی صورت می‌گیرد که عمل دوخت را انجام می‌دهد. در زمان صفویه به‌جای سه لنگه‌ورد، از هشت لنگه‌ورد استفاده می‌کردند، سه تای آن در عمل دوخت و پنج تای آن برای ایجاد نقش بود. در آن زمان، گوشواره‌کش لای آخر گوشواره را نمی‌کشید و در عوض استاد بافنده با فشار دادن بر روی یکی از پاتخته‌های پنج لنگه و یکی از پاتخته‌های سه لنگه دوخت، دهنه را برای زدن آخرین پود ایجاد می‌نمود. بدین ترتیب، مراحل بافت پارچه زری عبارتست از:

نقشبندی، چله‌کشی و گذراندن ابریشم از وردها، شانه، وردچینی، وردبندی برای طرح، پیاده کردن نقشه روی دستگاه بافندگی.^{۵۰}

در پایان مقاله، چند نمونه از زری‌بافی سالهای اخیر بافت شهر اصفهان ارائه می‌شود. (تصاویر ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸ و ۲۹)



تصویر ۲۵

پارچه زری بافی با طرح قرقاول با گلابتون دو رویه مورخ ۱۳۵۸
موزه هنرهای زیبای اصفهان



تصویر ۲۶

پارچه زری با طرح هشت و مربع بدون گلابتون با ریشۀ عرض هشت سانتی مورخ ۱۳۵۳
موزه هنرهای زیبای اصفهان



تصویر ۲۷

پارچه زری با طرح شیر بالدار به همراه آرم جمهوری اسلامی ایران با گلابتون و ریشه مورخ ۱۳۶۲
موزه هنرستان هنرهای زیبای اصفهان



تصویر ۲۸

پارچه زری با طرح شیر و آهو به همراه گلابتون و ریشه عرض هشت سانتی مورخ ۱۳۵۱
موزه هنرستان هنرهای زیبای اصفهان



تصویر ۲۹

پارچه زری طرح هشت کله
تار و پود ابریشمین و گلابتون
با ریشه ۸۵ × ۸۵ مربع - مورخ ۱۳۶۴
موزه هنرستان هنرهای زیبای اصفهان

نتیجه‌گیری

هنر زری‌بافی ایران که در عصر صفویه به‌خصوص در اصفهان به اوج خود رسید به تدریج از پایان عصر صفوی مانند سایر هنرها و صنایع دستی با رکود روبه‌رو شد. امروزه این هنر-صنعت با توجه به کمبود نیروی انسانی جوان و درگذشت استادان با سابقه و ماهر، پرهزینه و وقت‌گیر بودن و ورود دستگاه‌های ماشینی ژاکارد، رواج سابق خود را از دست داده است. خوشبختانه امروزه سازمان میراث فرهنگی شهر اصفهان کارگاه‌های زری‌بافی برپا کرده و کلاسهای آموزشی به‌خصوص در دو کارگاه واقع در خانه شیخ‌الاسلام و کارگاه سازمان میراث فرهنگی شهر اصفهان دایره کرده است و با این کار گام‌های موثری برای احیای این هنر اصیل برداشته شده که امید است الگویی برای سایر شهرهای ایران باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. حسین، یآوری، *آشنایی با برخی از دستبافته‌های ایران*، تهران، سازمان صنایع دستی ایران، آبان ۱۳۶۶، ص ۶۶.
۲. هانس ای، وولف، *صنایع دستی کهن ایران*، ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده، تهران، بی‌نا، ص ۱۷۳.
۳. جی کلاک و سوامی کلاک، *سیری در صنایع دستی ایران*، تهران، بانک ملی، چاپ اول، ۲۵۳۶، ص ۲۱۱.
۴. علی‌اصغر، حکمت، *ایران‌شهر*، جلد دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲، ص ۱۸۰۰.
۵. همان.
۶. علی‌نقی، وزیر، *تاریخ عمومی هنرهای مصور*، جلد دوم، تهران، هیرمند، ۱۳۶۳، ص ۲۶۴.
۷. طرح احیاء، *تولید نخ زری و زری‌بافی در یزد*، نشریه شماره ۱۹۰، سازمان صنایع دستی ایران، ۱۳۵۵، ص ۲.
۸. سعید نفیسی، *تمدن ایران ساسانی*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱، ص ۱۶۳.
۹. علی‌اصغر، حکمت، *ایران‌شهر*، جلد دوم، ص ۱۸۰۰.
۱۰. ویل دورانت، *تاریخ تمدن*، جلد اول، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران، آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸، چاپ اول، ص ۶۶۱.
۱۱. طراز چند رنگه زربفت در فسا انواع زری که نام پادشاه به رنگ آبی و سبز همانند پر طاووس در آن بافته می‌شد تهیه می‌کردند، به نقل از لسترنج، سرزمینهای خلافت شرقی، ص ۳۱۵.
۱۲. ابن حوقل، *سفرنامه صوره الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶، ص ۶۶.
۱۳. علی‌اصغر حکمت، *ایران‌شهر*، جلد دوم، ص ۱۸۰۱.
۱۴. ویل دورانت، *تاریخ تمدن*، جلد ۶، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸، چاپ اول، ص ۸۴۴.
۱۵. سفرنامه ابن حوقل، ص ۱۲۴-۱۲۳.



۱۶. زهره روحفر، نقش عقاب بر کفنه‌های آل‌بویه، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال دوم، تهران، نشر دانشگاهی، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۶۷، ص ۲۳.
۱۷. عیسی بهنام، «فن زری بافی در ایران»، مجله هنر و مردم، دوره جدید، شماره ۱۵، ص ۷.
۱۸. همان، ص ۴.
۱۹. همان، ص ۳.
۲۰. همان.
۲۱. محمد ابراهیم باستانی پاریزی، در عالم بافندگی، بی‌جا، بی‌تا، بی‌نا، ص ۱۳۴.
۲۲. کارل جی دوری، هنر اسلامی، ترجمه رضا بصیری، تهران، یساولی، بی‌تا، ص ۱۳۲.
۲۳. عیسی بهنام، فن زری بافی در ایران، ص ۷.
۲۴. طرح احیاء تولید نخ زری و زربافی در یزد، ص ۲.
۲۵. کارل جی دوری، هنر اسلامی، ص ۱۹۶.
۲۶. ارنست کونل، هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران، توس، ۱۳۵۵، ص ۱۲۳-۱۲۴.
۲۷. باستانی پاریزی، در عالم بافندگی، ص ۱۷۴.
۲۸. کلاویخو، گونزالس، سفرنامه، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴، ص ۱۳.
۲۹. شاردن، ژان، سفرنامه، جلد ۴، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۹، ص ۳۵۷.
۳۰. همان، ص ۳۵۸.
۳۱. شاردن، ژان، سفرنامه، قسمت شهر اصفهان، ترجمه حسین عریض، تهران، نگاه، ۱۳۶۲، ص ۱۷۲.
۳۲. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، جلد اول، ص ۹۱۶.
۳۳. اولتاریوس، آدام، سفرنامه، ترجمه احمد بهپور، تهران، ابتکار، ۱۳۶۳، ص ۲۲۵.
۳۴. وزیری، علی‌نقی، تاریخ عمومی هنرهای مصور، جلد دوم، ص ۲۶.
۳۵. بهنام، عیسی، فن زری بافی در ایران، ص ۷.
۳۶. شاردن، ژان، سفرنامه، جلد ۴، ص ۳۵۷.
۳۷. باستانی پاریزی، در عالم بافندگی، ص ۱۷۵.
۳۸. همان.
۳۹. بهنام، عیسی، فن زری بافی، ص ۷.
۴۰. کلاک، جی. و سوامی کلاک، سیری در صنایع دستی ایران، ص ۲۱۱.
۴۱. حکمت، علی اصغر، ایرانشهر، جلد دوم، ص ۱۸۰۳-۱۸۰۲.
۴۲. تحویلدار اصفهانی، میرزا حسین‌خان، جغرافیای اصفهان، ترجمه منوچهر ستوده، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲، ص ۹۷.
۴۳. کلاک، جی. و سوامی کلاک، سیری در صنایع دستی ایران، ص ۲۱۱.
۴۴. مصاحبه با استاد مرتضی شیخان، شهریور ۱۳۷۶.
۴۵. دستگاه ژاکارد را در سال ۱۸۰۵ ماری ژوزف ژاکارد اختراع کرد و سپس ونساتری و وردل آن را تکمیل کرد.
۴۶. حکمت، علی اصغر، ایرانشهر، جلد دوم، ص ۱۸۰۲، اجرت ذکر شده مربوط به سالهای ۴۲-۱۳۴۰ است.
۴۷. قلمبک: ماسوره‌ای است که در پایین آن وزنه قرار دارد.
۴۸. یآوری، حسین، آشنایی با پارچه، تهران، سازمان صنایع دستی ایران، بی‌تا، ص ۶۷.
۴۹. مصاحبه با استاد مهدی شمس‌علی و استاد پورعطار، شهریور ۱۳۷۶.

۵۰. وولف، هانس ای.، صنایع دستی ایران، ص ۱۸۸-۱۸۵.

منابع

- ابن حوقل، *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- اولتاریوس، آدام، *سفرنامه*، ترجمه احمد بهپور، تهران، ابتکار، ۱۳۶۳.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، *در عالم بافندگی*، بی جا، بی نا، بی تا.
- برزین، پروین، «پارچه‌های قدیم ایران»، *مجله هنر و مردم*، دوره جدید، شماره ۳۴، ۱۳۴۵.
- بهنام، عیسی، «فن زری بافی در ایران»، *مجله هنر و مردم*، دوره جدید، شماره ۵-۱.
- تحویلدار اصفهانی، میرزا حسین خان، *جغرافیای اصفهان*، ترجمه منوچهر ستوده، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
- جی دوری، کارل، *هنر اسلامی*، ترجمه رضا بصیری، تهران، یساولی، بی تا.
- حکمت، علی اصغر، *ایران‌شهر*، جلد دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
- دوران، ویل، *تاریخ تمدن*، جلد اول، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران، آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸.
- دوران، ویل، *تاریخ تمدن*، جلد ششم، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸.
- روحفر، زهره، *نقش عقاب بر کفنه‌های آل بویه*، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، سال دوم، شماره ۲، تهران، نشر دانشگاهی، بهار و تابستان ۱۳۶۷.
- سازمان صنایع دستی ایران، *طرح احیاء تولید نخ زری و زری بافی در یزد*، نشریه شماره ۱۹۰، سازمان صنایع دستی ایران، ۱۳۵۵.
- شاردن، ژان، *سفرنامه قسمت شهر اصفهان*، ترجمه حسین عریضی، تهران، نگاه، ۱۳۶۲.
- شاردن، ژان، *سفرنامه*، جلد چهارم، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۹.
- کلاک، جی.، و سوامی، سیری *در صنایع دستی ایران*، تهران، بانک ملی، چاپ اول، ۱۳۵۶.
- کلاویخو، گونزالس، *سفرنامه*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.
- کونل، ارنست، *هنر اسلامی*، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران، توس، ۱۳۵۵.
- نفسی، سعید، *تمدن ایران ساسانی*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱.
- وزیری، علی‌نقی، *تاریخ تمدن هنرهای مصور*، جلد دوم، تهران، هیرمند، ۱۳۶۳.
- وولف، هانس ای.، *صنایع دستی کهن ایران*، ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده، تهران، بی نا، بی تا.
- یاور، حسین، *آشنایی با برخی از دستبافته‌های ایران*، تهران، سازمان صنایع دستی ایران، آبان ۱۳۶۶.
- یاور، حسین، *آشنایی با پارچه*، تهران، سازمان صنایع دستی ایران، بی تا.